

## كشوف كتابى تازه

### از ۱۶ قرن پيش راجع باصول عقائد مانى

هيئت اعزامى شرق اقصى در اوایل عصر حاضر موفق بکشف ياره آثار و قطعاتى از نوشتههاى قديم شده اند که در جای خود حائز اهميت بسيار است، از اکتشافات مزبور قسمتى در سال ۱۹۰۴ مسيحي توسط ف. و. ک. مولر انتشار يافته و بعداً نیز مسيو لکک و ساير فضلا از کتبى که بزبان فرس قديم و ترکى اصلى و چينى بوده استخراجاتى کردند که اطمینان ميرت بقايای کتب مربوط بمانى و مانويان باشد ولى چون اين اطلاعات و تحقيقات مجمل و مختصر بود مطالب زيادى بر گفته هاى مصنفين يونانى و مسيحيون لاتينى نيفزود. در سنه ۱۹۲۵ مسيحي پروفيسور بور کيت ۲ معلم دارالفنون بجمع آورى تمام اطلاعات و تحقيقات نائل شد و استنباطات خود را در کتابى مخصوص شرح داد.

در يائيز ۱۹۳۰ مسيحي در يکى از قصبات مصر موسوم بمدينه مادى حفاران بومى جعبه که حاوى هشت يا نه کتاب پوسيده و کثيف و بر هم چسبيده بود يافتند و متاسفانه کتب مزبور را با کمال بى اعتنائى بين خريداران بومى تقسيم نمودند، از قضا بعضى از اوراق مزبور را مستر چستري تى ۴ خريده بلندن آورد و در جزو کتب مشهور خطى خود نگاهداشت.

پروفيسور کارل اشميت ۵ آلمانى از کشفيات مزبور اطلاع حاصل کرده براى تحقيق و تفحص بمرکز اکتشافات حرکت کرد و بالاخره در اثر جدت و پشت کار خود موفق بيافتن محل اصلى و جمع کردن بقايای اوراق گرديد و آنها را ببرلن حمل نمود، ضمناً مستر چستري تى ۴ نیز جوانمردى کرده و کتاب خود را بموزه برلين امانت داد که در يکجا جمع و شروع بتحقيقات نمودند. مشکل کار اين بود که اوراق از بايروس پوسيده و بهم چسبيده بود و جدا کردن آن از يکديگر دشوار مينمود، انجام اين قسمت را بدکتر ايشر ۶ آلمانى که متخصص اين امر بود واگذار کردند. مشار اليه بوسيله عبور دادن نمک از خلل و فرج آنها بسيارى از اوراق را از يکديگر جدا کرد و کسانى که اوراق مزبوره را در حالت نخستين ديده بودند از اين عمل خارق العاده متعجب شدند و بر استادى دکتر ايشر آفرين گفتند.

اوراق بايروس اساساً نازک و ظريف و خطوط آن خيلى دقيق است و بهمين سبب مرور ايام انفکاک و تميز آنها را فوق العاده دشوار ساخته بود. بطوریکه پس از دو سال زحمت از بين دوهزار ورق بايروس پيش از سيصد برگ را نتوانستند مورد استفاده قرار دهند.

برای ادامه تحقيقات خود پروفيسور اشميد دکتر پاتسکى ۷ روسى را که داراى نظر ناقب و اطلاعات دقيق از زبانهاى شرقى است بمعاونت خود انتخاب کرد و متفقاً در متن جديد

دقت نموده آنرا ترجمه کردند و راپرت عملیات خویش را با کادمی علمی پروس تقدیم داشتند. در نتیجه معلوم شد که نوشته‌های مکشوف شده بزبان کوییک<sup>۱</sup> و در زمان و محل مخصوصی متداول بوده و هیچگاه این زبان در فایوم<sup>۲</sup> که مرکز اکتشافات بوده معمول نبوده است، آنچه محقق است ترجمه‌ای که از ترجمه یونانی آن (نه از زبان اصلی سریانی) شده است در حوالی اسیوت<sup>۳</sup> که شهری است واقع در ساحل رود نیل مابین قاهره و لوکسور<sup>۴</sup> انجام یافته و بعقیده پرفسور اشمیت در قرن چهارم میلادی ترجمه شده است، شکی نیست که این نوشته‌ها خیلی قدیمی و شاید از آثار صد سال بعد از قتل مانی یعنی سنوات ۲۷۵ یا ۲۷۶ میلادی است. تا جائیکه از اوراق مزبور استنتاج شده محتویات آنرا بدو قسمت عمده تقسیم کرده اند، یکی در تکرین و فلسفه عالم بحث میکند که منشأ آن متخذ از عقاید ایرانیان قدیم بوده و دیگری قواعد اخلاقی است که از عدالت و درستکاری سخن میراند.

در تمام محافل روحانی و مجالس بیادات مانویون ساز و آواز یکی از عوامل مهمه مذهب بوده است و چون مانی در صنایع مستظرفه استاد بوده و تمایلی بآن داشته در تمام تشریفات مذهبی این قسمت را تشویق میکرده است، مخصوصاً طریقه تبلیغ مذهب وی بوسیله مبالغینی که مرکز ایشان در عراق یعنی واسطه شرق و غرب بوده در نزدیک کردن و بهم آمیختن صنایع چین و روم جدید که زبان تاریخ آنرا بیزانس میگویند تاثیر فراوان داشته است.

گرچه بیروان مذاهب مختلف عالم جملگی از طریقی دچار مصائب و شکنجه‌هایی شده‌اند لکن هیچکدام مانند مانویون سختی ندیده و سرگذشتشان مثل ایشان نبوده است، زیرا مذاهب برهمنی و زرتشتی و مسیحی و اسلام هر یک در نتیجه حفظ کتب و اصول عقاید خویش تا امروز باقی مانده‌اند، ولی مانویون پس از ادامه هزار سال حیات مذهبی بدون اینکه آثاری از حقایق و اصول مذهب خود بقی گذارند بکلی مضمحل گشتند، فقط آنچه راجع بعقاید آنان در دسترس مورخین ماند همانا نوشته‌جات و مدارکی بود که دشمنان ایشان در کتب خود برای رد مذهب آن‌توم نقل کرده‌اند. بهمین سبب بود که بعدها مردم بعزت آشنا نبودن بآثار و مدارک صحیح دین مانی و توفیق یافتن دشمنان دراضحلال آن اساس، مذهب مانی را بیدی و سستی تلقی کرده و زنی برای آن قائل نشدند، در صورتیکه در حیات مانی از عراق تا هندوستان و چین و سوریه و مصر و در طول سواحل شمالی افریقا تا ایتالیا که دنیای متمدن آن عصر محسوب میشد اصول و عقاید او انتشار داشته و شخصاً محترم و معروف بود.

مانی در ایران در حدود سال ۲۱۵ میلادی تولد یافته، یونانیان او را با اسم مذهبی مانی کئوسه مینامیدند.

مانی در سن ۲۷ سالگی یعنی در حدود ۲۴۲ میلادی دعوی پیغمبری نمود. مدت ۳۰ سال در شرق مسافرت‌ها کرد و توفیق یافت که معابد متعددی بنا کند و

پیروان بیشماری گرد آورد، میگفت من مبعوث شده ام تا تمام اصول و حقایق مذاهب قبل را جمع کنم و ذهب جدیدی که ناسخ تمام مذاهب باشد بر قرار سازم، گرچه مانی خویشترن را قائم مقام زردشت و بودا و مسیح میدانست ولی از طرفی هم خود را رسول حضرت مسیح بشمار میآورد (انجیل یوحنا، باب ۱۴ آیه، ۲۶، باب ۱۵، آیه ۲۶، باب ۱۶، آیه ۷) و اوراق بنی شماری بزبان سریانی راجع بعقاید مقدسه خود نوشته آنها را برای مؤمنین شرقی بزبان فارسی و برای مؤمنین غربی بزبان یونانی ترجمه و منتشر ساخت و بعد ها نیز برای هر مملکتی جداگانه ترجمه شد.

آنچه معلوم است مانی فقط در زمان شاپور اول دومین پادشاه ساسانی ساسانی که او را حمایت میکرد است خشنود و آسوده خاطر میزیسته، اما بعد ها چون در کار خویش توفیق یافت و پیروانش زیاده شدند مورد حسادت دشمنان و خصومت مؤبدان زرتشتی گردید تا جائیکه در نتیجه تحریکات آنان بهرام اول مشار الیه را توقیف و مقتول ساخت و زجر و قتل پیروانش شروع شد - در نتیجه جمعیتی از مانویون متحد گشته در زمان سنت اگوستین (۳۵۴-۴۳۰) که مدت نه سال قبل از قبول دین مسیح از معتقدین مانی بود، در شمال افریقا مسکن گزیدند - اگوستن در اواخر حیات خود مباحث زیادی بر ضد فرق مذهبی مانی نگاشت و مبدأ جزئی اطلاعاتی که در دسترس مورخین است از همان نوشتههاست. در موقع ظهور اسلام و هجوم اعراب و از بین بردن سلسله ساسانی مذهب زرتشتی و مانوی را نیز منسوخ نمودند، عده از بقایای آنان برای حفظ عقاید خود بطرف مغرب فرار کردند. زرتشتی ها ترقی و نمو قابل ذکری ننمودند ولی بعکس مانویون در ترکستان شروع بتوسعه نموده و بالنسبه ترقیات فوق العاده کردند تا اینکه منزل ها بطرف ایران و ترکیه و سوریه هجوم آورده آنان را بکلی معدوم ساختند و در همان مواقع ترقی و پیشرفت کاتولیکها نیز آثار عتاید و فلسفه مانویون را بکلی از صفحه غرب محو کرد و از آن بعد از مانویون اثری باقی نماند. در اینجا قسمتی مورد بحث و گفتگوی مورخین است که آیا مذهب مانی اختلاطی است از مسیحیت اصول و مبادی شرقی یا فروع عقاید زرتشتی است که با قواعد اخلاقی مسیحیت بهم رشته اند، این مسئله را تا کنون آثار مکشوفه تصفیه نکرده است. ولی آنچه بطور قطع مسلم شده این است که مانی هر چه در نوشتههای خود راجع بمسیح متذکر شده مقصود حضرت عیسی نیست - زیرا اومسیح را یکی از مرساین خداوند میدانند، نه تجسم خدا بشکل انسان و شاید همین تفاوت باعث خصومت مسیحیون نسبت بمانی شده است - بالاخره کشفیات جدید اقتدارات و اعتبارات مذهبی را از ۳۰۰ میلادی تا فتح اعراب روشن کرده و اطلاعات بیشتری راجع بسلسله ساسانی که سالها یکتا رقیب مظفر امپراطوری روم در شرق بوده بدست خواهد داد. از روزنامه تایمزلندن - ترجمه آقاخان امیریان.